



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Structural analysis of Fakhreddin Iraqi's storytelling methods in lyric-stories

H. Mohammadi Afshar<sup>1\*</sup>, F. Mardani<sup>2</sup>

1- Department of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Khomeini Shahr Branch, Islamic Azad University, Khomeini Shahr, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 17 December 2020

Reviewed: 19 January 2021

Revised: 03 February 2021

Accepted: 18 March 2021

KEYWORDS

Fakhreddin Iraqi, lyric-story, structural analysis, elements, methods of storytelling.

\*Corresponding Author

✉ [h.afshar@uk.ac.ir](mailto:h.afshar@uk.ac.ir)

☎ (+98 34) 33257141

ABSTRACT




**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** Sometimes, in order to confirm the goals of the sonnet, the poet narrates a story in the middle of it, which is referred to as a sonnet-story. In this type of poetry, the orator, like a storyteller, represents an incident and a story and uses the techniques of storytelling to narrate emotional moments. From the first days of the emergence of Persian poetry, narration was one of the topics used in poetry and the coming of the story in the middle of the sonnet, apparently first in Attar's poem and then in the sonnets of Rumi's Great Divan has been widely used. One of the characteristics of Fakhr al-Din Ibrahim Hamedani, known as the Iraqi (688-610) in the range of lyric poetry, is the telling of the story and narration of emotional and pure moments in the middle of the lyric poems. In this article, an attempt has been made to classify, describe and analyze the prominent ways of telling the story in "Iraqi" sonnets so that the reader becomes more familiar with the poet's goals and motives and mental mechanism.

**METHODOLOGY:** The research method in this article is descriptive-analytical with a fiction and narrative literature approach, and the method of collecting information is library and based on content analysis.

**FINDINGS:** Out of a total of 303 ghazals in the generals of the Iraqi court, corrected by Saeed Nafisi (1998), 97 ghazals-stories were identified, which comprise about one third of the ghazals of the poet. 18 of them are dedicated to sonnets whose prominent element is "dialogue" and 33 are to sonnets-stories based on "anecdote".

**CONCLUSION:** Iraqi lyric-stories are short stories in a simple language and suitable for romantic and mystical situations in which either the only element of "dialogue" prevails, or it describes its situations and the beloved or a report of the event. Recounts and represents the clergy. Aware of the fact that the atmosphere of ghazal is not suitable for storytelling and has its own limitations, Iraqi has not engaged in marginalization in ghazal-stories and has summarized the story in simple and concise language and has established a direct and effective connection between the reader and the story.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.5726](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.5726)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 <b>17</b>	 <b>2</b>	 <b>0</b>

## نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

### مقاله پژوهشی

### تحلیل ساختاری شیوه‌های داستان‌پردازی فخرالدین عراقی در غزل-داستانها

هوشنگ محمدی افشار<sup>۱\*</sup>، فیروز مردانی<sup>۲</sup>

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، ایران.

#### چکیده:

**زمینه و هدف:** گاهی شاعر برای تأیید اهداف غزل، در میانه آن داستانی را هم روایت میکند که بدین نوع ادبی، غزل-داستان اطلاق میگردد. در این گونه شعر، سخنور مانند داستان‌سرا به بازنمایی یک حادثه و ماجرا میپردازد و برای روایت لحظه‌های عاطفی از شگردهای داستان‌پردازی بهره‌مند میگردد. از نخستین روزهای ظهور شعر فارسی، روایت از جمله موضوعاتی بود که در شعر بکار میرفت و آمدن داستان در میانه غزل، به ظاهر نخست در شعر عطار و پس از آن در غزل‌های دیوان کبیر مولانا کاربرد فراوان داشته است. از جمله ویژگی‌های فخرالدین ابراهیم همدانی مشهور به عراقی (۶۸۸-۶۱۰) در گستره غزلسرای، بیان داستان و روایت لحظه‌های عاطفی و ناب در میانه غزلهاست. در این مقاله سعی گردیده است شیوه‌های برجسته بیان داستان در غزل‌های «عراقی» طبقه‌بندی و توصیف و تحلیل شود تا خواننده با اهداف و انگیزه‌ها و ساز و کار ذهنی شاعر آشنا تر گردد.

**روش مطالعه:** روش تحقیق در این مقاله از نوع توصیفی-تحلیلی با رویکرد ادبیات داستانی و روایت‌شناسانه، و شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و براساس تحلیل محتوا است.

**یافته‌ها:** از مجموع ۳۰۳ غزل در کلیات دیوان عراقی تصحیح سعید نفیسی (۱۳۷۷)، ۹۷ غزل-داستان شناخته شد که نسبت به کل غزلیات شاعر، حدود یک‌سوم غزل‌های وی را شامل میشود. تعداد ۱۸ مورد از این گونه، به غزل‌هایی اختصاص دارد که عنصر برجسته آنها «گفتگو» است و ۳۳ مورد به غزل-داستانهایی اختصاص دارد که مبتنی بر «حکایت» است.

**نتیجه‌گیری:** غزل-داستانهای عراقی از نوع داستان کوتاه و با زبانی ساده و مناسب با حالات عاشقانه و عرفانی بیان شده‌اند که در آنها یا تنها عنصر «گفتگو» غالب است، یا به توصیف حالات خود و معشوق میپردازد و یا گزارشی از واقعه‌ای روحانی را بازگو و بازنمایی میکند. عراقی با آگاهی از این موضوع که فضای غزل مناسب داستان‌پردازی نیست و محدودیتهای خاص خود را دارد، در غزل-داستانها به حاشیه‌پردازی مشغول نشده و با زبان ساده و موجز داستان را خلاصه و میان خواننده با داستان ارتباط مستقیم و مؤثر برقرار کرده است.

تاریخ دریافت: ۲۷ آذر ۱۳۹۹  
تاریخ داوری: ۳۰ دی ۱۳۹۹  
تاریخ اصلاح: ۱۵ بهمن ۱۳۹۹  
تاریخ پذیرش: ۲۸ اسفند ۱۳۹۹

#### کلمات کلیدی:

فخرالدین عراقی، غزل-داستان،  
تحلیل ساختاری، عناصر،  
شیوه‌های داستان‌پردازی.

\* نویسنده مسئول:

✉ [h.afshar@uk.ac.ir](mailto:h.afshar@uk.ac.ir)

☎ ۳۳۲۵۷۱۴۱ (۰۹۸ ۳۴)

## مقدمه

پژوهشهای مربوط به حوزه انواع ادبی، شعر روایی را غالباً ویژه قالب مثنوی میدانند؛ درحالیکه داستان و روایت قادر است در هر سبک و شکل و قالب ادبی اعم از سنتی و معاصر کاربرد داشته باشد. در نتیجه میتوان غزل-داستان را غزلی را معرفی کرد که در آغاز، میانه، پایان یا در کل آن پیوند میان شعر و داستان و روایت برقرار باشد. هدف از پیوند داستان با فضای غزل، تعلیم، تأثیرگذاری و لذت‌بخشی بیشتر به مخاطب و خواننده است. در این گونه ادبی، تجربه‌های عاطفی با زبان و ساختار داستانی بیان میگردد و شامل درونمایه‌های عاشقانه، اخلاقی، عرفانی، فلسفی، اجتماعی، آموزشی، یا ترکیبی از همه این مضامین است.

بررسی غزل-داستانها، بیانگر این نکته است که شاعر قادر است مانند داستان‌نویس، در شعر خود به بازنمایی یک حادثه یا ماجرا بپردازد و از شیوه‌های گوناگون روایت بهره‌مند شود و از قالبهایی همچون غزل که بر مبنای بیان عواطف و احساسات شخصی بنا شده است، برای روایت لحظه‌های عاطفی استفاده کند. این گونه غزلها، همچون یک داستان، «از طرح یا هندسه خاصی پیروی میکنند. این هندسه عبارت است از: مقدمه، تنه و نتیجه‌گیری. طی این سه بخش، شاعر به بیان یک رویداد کوتاه میپردازد» (بررسی ساختار روایی در غزل فارسی، حیدری: ص ۳۳).

در مقدمه، شاعر زمان، مکان، حالات روحی یا ظاهری شخصیتها و وضعیت اولیه‌ای را که برای ورود به داستان لازم است، توصیف میکند. در قسمت تنه، آنچه روی داده است بیان میشود. نسبت این سه بخش به یکدیگر همیشه یکسان نیست. اغلب مقدمه و نتیجه، کوتاهتر از بدنه هستند و گاهی هم برعکس، مقدمه و نتیجه‌گیری بخش بزرگتری را به خود اختصاص میدهند. اما آنچه مسلم است برتری بدنه داستان بر دو بخش دیگر است (همانجا).

بعنوان مثال، غزل شماره ۱۰۴ دیوان عراقی، نمونه کاملی از این نوع است:

به خرابات شدم دوش، مرا بار نبود	میزدم نعره و فریاد، ز من کس نشنود
چون که یک نیم ز شب یا کم یا بیش برفت	رندی از غرفه برون کرد سر و رخ بنمود
گفت: خیرست، درین وقت تو دیوانه شدی	نغز پرداختی آخر تو نگویی که چه بود؟
گفتمش: در بگشا، گفت: برو هرزه مگوی	تا درین وقت ز بهر چو تویی درکه گشود؟
این نه مسجد که به هر لحظه درش بگشایند	تا تو اندر دوی، اندر صف پیش آیی زود
این خرابات مغان است و در او زنده‌دلان	شاهد و شمع و شراب و غزل و رود و سرود
زر و سر را نبود هیچ درین بقعه محل	سودشان جمله زیانست و زیانشان همه سود
ای عراقی، چه زنی حلقه برین در شب و روز؟	زین همه آتش، خود هیچ نبینی جز دود

(کلیات دیوان عراقی: ص ۱۴۱)

از جمله فواید کاربرد داستان در غزل آن است که باعث انسجام محور عمودی و افقی خیال میشود و در نتیجه به انسجام شعر و ارتباط بهتر آن به مخاطب یاری میرساند. «با شیوه گفت‌وشنود، غزل هنریتری میشود و ساختی نمایش‌گونه مییابد. از دید برون‌متنی، غزل روایی میتواند مخاطب یا منتقد را به اهداف و انگیزه‌های شاعر با بهره‌گیری از دانستن مضامین ناشی از فرم ذهنی شاعر که در روایت آسان بدست می‌آید، رهنمون گردد» (غزل روایی و خاستگاه آن در شعر فارسی، روحانی و منصوری: ص ۱۱۶).

سابقه ورود داستان و روایت در شعر، ریشه در دوران باستان دارد. در روزگار اسلامی، از نخستین روزهای ظهور شعر فارسی، روایت یکی از عناصر اصلی اشعار بوده است. آمدن داستان در میانه غزل که گاه بصورت نقل

قول و گاه بشکل گفت‌وشنود جلوه میکند، «نخست در شعر عطار و سپس در اشعار مولانا بصورت گسترده مشاهده میشود» (آفاق غزل فارسی، صبور: ص ۲۳۸).

شیخ فخرالدین ابراهیم همدانی مشهور به «عراقی» (۶۱۰-۶۸۸) از بزرگان عرفان و تصوف و از مشایخ سلسله سهروردیه مولتان بود که با رجال بزرگی چون صدرالدین قونیوی و مولانا جلال‌الدین محمد مولوی معاصر و معاش بود (تاریخ ادبیات ایران، صفا، ج ۳: ص ۵۷۴). وی منظومه «عشاق‌نامه» یا «ده‌نامه» را در ده فصل سروده است و هر فصل مشتمل بر مثنوی و غزل است و «در هر یک از فصول دهگانه و مقدمه و خاتمه منظومه، مبحثی از مباحث عرفانی را مطرح کرده و آن را همراه با تمثیل و حکایت به پایان رسانیده است» (همان: ص ۵۷۷). گرچه همه آثار فخرالدین عراقی در موضوع عرفان و تصوف است، جوهره اصلی شخصیت وی در غزل جای دارد و اصلیت‌ترین درونمایه غزل عراقی «عشق» است و مضامین قلندری، ملامتی و دیگر مسائل مربوط به عشق و عرفان از مضامین شایع غزل وی بشمار می‌آیند که با زبان نمادین و تمثیلی و گاه به شکل داستانی و روایی بیان شده‌اند.

غزل-داستان، یکی از انواع غزل فارسی بشمار می‌آید و «آن آوردن داستان‌هایی تمثیل‌وار در میانه غزل است» (آفاق غزل فارسی، صبور: ص ۲۰۵)، که در نهایت بیت یا بیت‌های پایانی غزل به نتیجه داستان و روایت منجر میشود.

هرچند هدف اصلی عراقی در غزل، روایتگری و داستان‌پردازی به معنی خاص آن نبوده است، اما با دقت در آثاری چون «عشاق‌نامه» درمی‌یابیم که وی با ساختار روایی آشنایی کامل دارد و بعنوان مبتکر «ده‌نامه‌سرایی» پیشرو این نوع ادبی است و از این استعداد در غزل-داستانها نیز بهره گرفته است. در این پژوهش سعی گردیده - است از میان غزل‌های فخرالدین عراقی، غزل-داستان‌های وی شناسایی و گونه‌های مختلف این نوع غزل-داستانها معرفی، بررسی و تحلیل ساختاری شود. این پژوهش درصدد است به پرسشهای زیر پاسخ دهد:

۱- غزل-داستان‌های عراقی از چه الگویی پیروی میکنند و به چه شیوه‌هایی بیان شده‌اند؟

۲- کدام شیوه تأثیرگذارتر و کدام عنصر داستانی در غزل-داستانها برجسته‌تر است؟

## روش مطالعه

روش تحقیق در این مقاله از نوع توصیفی-تحلیلی با رویکرد ادبیات داستانی و روایت‌شناسانه، و شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و براساس تحلیل محتوا است. قلمرو این پژوهش غزل‌های عراقی در کتاب کلیات دیوان عراقی به تصحیح سعید نفیسی (۱۳۷۷) است که شامل ۳۰۳ غزل میشود. (به استثنای غزل‌های عشاق‌نامه). شیوه انجام پژوهش اینگونه است: ابتدا غزل-داستانها (۹۷ مورد) تفکیک میشود، سپس انواع کلی غزل-داستان‌های عراقی از جمله: غزل-داستان‌های مبتنی بر «تخاطب»، غزل-داستان‌های مبتنی بر «توصیف» و سپس غزل-داستان‌های نوع «حکایت» معرفی، و عناصر متغیر این گونه اخیر مورد تحلیل ساختاری قرار میگیرند.

## ضرورت و سابقه پژوهش

از آنجاکه «بررسی ساختاری داستان و یافتن قواعد حاکم بر ساختار آن، به معنی بررسی و یافتن ساز و کار ذهن و زندگی انسان است» (بوطیقای قصه در غزلیات شمس، گراوند: ص ۳۰)، تحلیل اینگونه غزلها پژوهشگران را به اهداف و انگیزه‌ها و سازوکار ذهنی شاعر راهنمایی میکند و مضامین برخاسته از این انگیزه‌ها بوسیله روایت و

داستان قابل فهمتر است. هدف از این پژوهش، توصیف و تحلیل کیفیت داستانوارگی غزل-داستانهای عراقی است و با توجه به وجود عناصر سازنده و شگردهای داستان‌پردازی در غزلها، لازم است گونه‌های غزل-داستان و عناصر سازنده و متغیر آن در غزل عراقی معرفی گردد.

از جمله پژوهشهایی که درباره غزلهای فخرالدین عراقی انجام شده است، میتوان به نمونه‌های ذیل اشاره کرد: نخست پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «سبک‌شناسی قصاید و غزلیات فخرالدین عراقی» از حسینی (۱۳۹۱) در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ دیگر «بررسی معانی ثانوی در غزلیات فخرالدین عراقی» از بحرانی (۱۳۹۵) در دانشگاه پیام نور شیراز. همچنین مقالات «بررسی رابطه بینامتنی دو غزل از عراقی و حافظ» از اسدالهی و کیان‌مهر (۱۳۹۶)؛ «تکرار، ویژگی سبکی غزلهای عراقی» نوشته میرهاشمی و صبغی (۱۳۹۵) و مقاله «رموز و اشارات عرفانی در غزلیات عراقی» نوشته رحیمی و موسوی (۱۳۹۴). اما تاکنون هیچگونه پژوهش مستقلی درباره تحلیل داستان‌پردازی عراقی در غزل منتشر نشده است، ازاینرو ضرورت دارد غزلهای وی از این دیدگاه نیز مورد بررسی قرار گیرند.

### بحث و بررسی

در بررسی غزلهای فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص به عراقی، از مجموع ۳۰۳ غزل موجود در کلیات دیوان و با احتساب همه روایتها و داستانهای کوچک و بزرگ موجود، ۹۷ غزل-داستان یافت میشود که این میزان حدود ۳۳ درصد از مجموع غزلیات دیوان را به خود اختصاص میدهد. در این پژوهش، غزل-داستانهای عراقی براساس ساختار از سه الگو پیروی میکنند و در سه گروه و گونه قابل تعریف و طبقه‌بندی هستند: نخست غزل-داستانهای مبتنی بر «تخاطب»؛ بدین معنی که عنصر اصلی آنها گفتگو است؛ دیگر غزل-داستانهایی که ساختار «حکایت» دارند و تقریباً اغلب مؤلفه‌ها و عناصر متغیر و سازنده داستان و روایت در آنها نقش دارند؛ سوم غزل-داستانهای مبتنی بر «توصیف» که محور روایت در آنها به تصویرپردازی و وصف حال عاشق و توصیف معشوق و ماجراها و حالات عاشقانه اختصاص دارد.

### غزل-داستانهای مبتنی بر «گفتگو» و خطاب

محور اصلی و عنصر برجسته در این گونه غزل-داستانها، «گفتگو» است و دیگر عناصر داستان بصورت فرعی و در مرحله دوم قرار دارند. «در این الگو راوی کسی را مورد خطاب قرار میدهد و با او سخن میگوید. این الگو هر گونه کلام و گفتگو بین عاشق و معشوق، عاشق با رقیب یا غیر و گفتگوهای درونی را شامل میشود» (بررسی الگوی روایت در غزل سعدی، فرهنگی و حمیدی اصل: ص ۱۲۷).

تعداد این گونه غزل-داستانها در دیوان عراقی ۱۸ مورد است که حدود ۲۳/۵۰ درصد غزل-داستانها را شامل میشود و نسبت به غزل-داستانهای وصفی و غزل-داستانهای مبتنی بر حکایت دارای کمترین بسامد هستند. تعداد ابیات این غزلها بین ۶ تا ۲۶ بیت در نوسان است و بطور متوسط ۹ بیت دارند. عراقی در همه بیتها به خطاب و گفتگو پرداخته است؛ بلکه پس از مقدمه‌ای از زبان شاعر که شخصیت اصلی داستان است و با بهره‌گیری از تمثیل، به موضوع اصلی میپردازد و در میان یا انتهای پاره‌ای از غزلها، چندین بیت را به گفتگو اختصاص میدهد. تعداد بیتهای گفتگو حداقل ۲ و حداکثر ۱۱ بیت است. اغلب گفتگوها فشرده و بصورت خلاصه و کوتاه بیان شده است. شاعر در این غزلها، داستان‌پردازی نکرده است و

از عناصر دیگر داستان و روایت، کمتر بهره گرفته و گاه هرگز بهره نبرده است و تنها عنصر داستان‌پردازی، گفتگو است.

گفتگوها، هم بصورت دوطرفه و هم یکطرفه بیان شده است. گفتگوهای یکطرفه هم ظاهر دوطرفه دارد؛ زیرا آنجا که طرف مقابل شاعر از شخصیت‌های «نوعی» (تیپیک) است، گفتگو بشکل دوسویه (دیالوگ) و آنجا که «تمثیلی» و «نمادین» است یا با غم و خیال و زلف معشوق یا دل و دیده و خود و شمع و... گفتگو میکند، میتوان گفتگو را یکطرفه (مونولوگ) یا درونی بشمار آورد.

موضوع گفتگوها اغلب پیرامون هجران و طلب وصال و شکایت از غم دوری و درد دل با خیال معشوق است و میان عشق مجازی و حقیقی در نوسان است. آغازگر همه گفتگوها عراقی است و غزلها از بیان ساده و روشن برخوردارند.

طرف خطاب شاعر گرچه شخصیتی «ایستا» دارد و از عنصر کنش در رفتار برخوردار نیست، گاه با پاسخهای رندانه و طنز و تعریض و کنایه و استعاره، شاعر (قهرمان اصلی) را مجاب و وادار به سکوت میکند. بعنوان نمونه در غزل ۱۰۵ با مطلع:

هر که در بند زلف یار بود / در جهانش کجا قرار بود؟

از بیت هشتم تا انتهای غزل را به گفتگو از نوع یادشده اختصاص میدهد:

یک شبی با خیال او گفتم: / چند مسکین در انتظار بود؟  
روی بنما، که جان نثار کنم / گفت: جان را چه اعتبار بود؟  
نبود عاشق آنکه جوید کام / عشق را با غرض چه کار بود؟  
عاشق آن است که نخواهد هیچ / و همه خود، وصال یار بود  
ای عراقی، تو اختیار مکن / کان که به بود، اختیار بود

(کلیات دیوان عراقی: صص ۱۴۱-۱۴۲)

گرچه همه غزلها از نظر موضوعی پیرامون یک مفهوم کلی (عشق) و چند مضمون معدود و وابسته به آن مفهوم بیان میشوند، تفاوت ساختاری هم در آنها دیده میشود؛ مثلاً گاهی تمامی غزل با سؤال آغاز میگردد (نک: همان، غزل ۲۳۰: ص ۲۰۸؛ غزل ۲۸۲: ص ۲۳۶) و عاشق در طول غزل به شکایت از غم هجران دوست میپردازد و در انتهای غزل در یک یا دو بیت پاسخی فشرده میشوند. گاهی هم میان بیت‌های «گفتگو» فاصله زیادی است و شاعر، محبوب را مورد خطاب قرار میدهد و مخاطب در میان یا انتهای غزل با یکی دو جمله بصورت موجز پاسخ میدهد (ر. ک. همان: غزل ۲۷۰: صص ۲۲۹-۲۳۰).

از آنجا که در این گونه غزلها از عنصر پیرنگ استفاده نشده است، پایان و فرود داستانی مشخصی هم ندارند و خواننده غزل با توجه به شناختی که از غزلهای عاشقانه و عرفانی دارد، به نتیجه دلخواه دست مییابد.

جدول شماره ۱: ساختار غزل-داستانهای نوع «خطاب» و گفتگو

شماره غزل	تعداد بیتها	تعداد بیت‌های گفتگو	طرفین گفت‌وگو	نوع شخصیت طرفین	موضوع گفتگو	دارای مقدمه	استفاده از تمثیل	دارای نتیجه
۳	۹	۳	عراقی، جان و خیال	نوعی با تمثیلی	شکایت از هجران	+	+	+

تحلیل ساختاری شیوه‌های داستان‌پردازی فخرالدین عراقی در غزل-داستانها / ۱۷۱

					دوست			
-	+	+	وصف یار و طلب وصال	نوعی با نوعی	عراقی و معشوق	۲	۱۴	۴۷
+	-	+	بیان حالات دوری از معشوق	نوعی- نوعی و تمثیلی	عراقی و نگار دل شاعر و خیال و لب نگار	۳	۸	۶۷
+	+	+	نداشتن شکیبایی از هجران یار	نوعی با تمثیلی	عراقی و دل	۲	۱۲	۷۷
+	+	+	وصف یار و مناظره با خیال او	نوعی با تمثیلی	عراقی و ادب و خیال یار	۱۱	۱۷	۷۸
-	-	+	طلب وصال	نوعی با تمثیلی	عراقی و لب یار	۲	۶	۹۱
+	+	+	جانفشانی برای وصال یار	نوعی با تمثیلی	عراقی و خیال یار	۶	۱۳	۱۰۵
+	+	+	توصیه برای سرمستی، شور، رندی و قلأشی	تمثیلی با نوعی	خود شاعر و ساقی	۳	۱۱	۱۲۳
+	+	+	توصیه به خرقه‌سوزی و رها کردن تعینات	تمثیلی با نوعی	عشق و عراقی	۳	۶	۱۳۴
-	-	+	شکایت از هجران یار	نوعی با نوعی	یار و عاشق (عراقی)	۲	۱۰	۱۶۲
-	+	+	طلب وصال و شکایت از فراق	تمثیلی با تمثیلی	دل عاشق با خیال، غم و ستم معشوق	۳	۸	۱۷۷
+	+	+	گریه از غم عشق یار	نوعی با تمثیلی	عراقی و شمع	۵	۸	۱۹۱
+	+	+	در جست‌وجوی نشان یار	نوعی با تمثیلی	عراقی و دل	۵	۱۷	۲۳۰
-	-	+	شکایت از هجران یار	نوعی با نوعی	عراقی و نگار	۲	۷	۲۵۷
+	-	+	شکایت از هجران یار	نوعی با نوعی	عراقی و یار	۳	۱۱	۲۵۸
+	+	+	شکایت از فراق یار	نوعی شناخته شده (تمپیک) با تمثیلی	عراقی و دل	۳	۲۶	۲۷۰
+	+	+	درد دل با خیال یار به سبب هجران	تمثیلی با تمثیلی	دیدة شاعر و خیال معشوق و سگ کوی او	۳	۹	۲۸۲
+	+	+	یادآوری پیمان وفاداری یار	نوعی شناخته شده با نوعی	عراقی و یار	۳	۸	۲۸۶

### غزل-داستانهای مبتنی بر «توصیف» (Descriptive)

در غزل-داستانهای با ساختار توصیف، عناصر متغیر داستان و روایت کمرنگ است. در این گونه از غزل-داستانها به توصیف خصوصیات و ویژگیهای موضوع پرداخته شده است و محور روایت تنها تصویرسازی و توصیف است. همچنین ساختار «گفتگو» و «حکایت» رعایت نشده است. در حقیقت در این الگوی روایی، محور حوادث بر توصیف یا وصف‌الحال است؛ وصف شرایط، ویژگیها و وضعیت خود شاعر یا عاشق یا توصیف حالات و محاسن معشوق. همچنین ممکن است شاعر به توصیف چیزهایی غیر از خود و معشوق بپردازد (بررسی الگوهای روایت، فرهنگی و حمیدی اصل: ص ۱۳۴).

مفهوم غزلهای وصفی فخرالدین عراقی عبارت است از: توصیف و بیان تصاویر و ماجراها، بیان حالات عاشقانه و وصف زیبایی معشوق، توصیف زلف و غمزه و ابروی بار، بیان راههای پریبج و خم عشق، وصف شراب، رندی، قلآشی و عالم سرمستی. گاه موضوعات عرفانی است و به توصیف وحدت وجود و حال خود و درماندگی در راه سلوک میپردازد و گاه تنهایی خود را گزارش میکند و از هجران ناله سرمیدهد و در بیان حیرانی خود در یکی دو بیت هم به گفتگوی درونی میپردازد. گاه از معشوق شکوه میکند و گاه با توصیف خیالی وی، با خیالش نرد عشق میبازد. بعنوان مثال کل غزل شماره ۷۹ با مطلع:

بتم از غمزه و ابرو همه تیر و کمان سازد	چرا مژگان کند ناوک، چرا ابرو کمان سازد؟...
چو در دام سر زلفش همه عالم گرفتارست	که دائم در دل تنگم چگونه خان و مان سازد؟
بتی کز حسن در عالم نمیگنجد، عجب دارم	(همان: ص ۱۲۹)

یا غزل شماره ۸۵ در وصف حالات شور و سرمستی خود و بیان عالم رندی و قلآشی با مطلع:

من مست می عشقم، هشیار نخواهم شد	وز خواب خوش مستی بیدار نخواهم شد
امروز چنان مستم، از باده دوشینه	تا روز قیامت هم، هشیار نخواهم شد...
آن رفت که میرفتم، در صومعه هر باری	جز بر در میخانه، این بار نخواهم شد
از توبه و قرآیی، بیزار شدم، لیکن	از رندی و قلآشی بیزار نخواهم شد...
	(همان: ص ۱۳۲)

از آنجاکه «خفیفترین نوع روایت در غزلهای باساختار توصیف یافت میشود» (غزل روایی و خاستگاه آن در شعر فارسی، روحانی و منصور: ص ۱۱۲)، تنها به معرفی شماره این غزل-داستانها میپردازیم. این موارد پرتکرارترین غزل-داستانهای عراقی هم بشمار می‌آید و شامل ۴۶ غزل میشود که ۴۷/۴۰ درصد از مجموع غزل-داستانهای اوست. شماره غزلها به ترتیب شامل:

۱، ۷، ۱۶، ۱۷، ۳۰، ۳۷، ۴۸، ۵۴، ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۵، ۹۸، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۹۴ و ۳۰۲ است.

### غزل-داستانهای مبتنی بر «حکایت»، و مؤلفه‌ها و عناصر متغیر این گونه غزلها

این گونه غزل-داستانها، از نظر روایت و داستان‌پردازی نمونه‌اعلای آن بشمار میرود؛ زیرا اغلب عناصر و اجزای متغیر روایت در حکایت‌های آنها نقش دارند و با توجه به موضوع هر غزل، مؤلفه‌ها و عناصر سازنده داستانی از



شدت و ضعف نسبی برخوردارند. «بعضی از این عناصر در ساختمان داستان اهمیت بیشتری دارند و برای شکلگیری و ساختار داستان ضروری هستند» (بوطیقای قصه در غزلیات شمس، گراوند: ص ۱۶). تعداد غزل-داستانهای مبتنی بر حکایت ۳۳ غزل است که این میزان ۳۴ درصد از غزل-داستانهای فخرالدین عراقی را در بر میگیرند.

از آنجا که «دسته‌بندی و استخراج بسامد عناصر متغیر داستان در شناخت هرچه بهتر زیرساختهای فکری شاعر کمک میکند» (نقد و تحلیل ساختارگرایانه غزل روایت‌های عطار، طاهری: ص ۱۹۷)، در غزل‌داستانهای نوع «حکایت» عراقی، عناصر اصلی و سازنده داستان از جمله «مکان»، «زمان»، «زاویه دید»، «گفتگو» و «شخصیتها» بررسی و کیفیت تکرار این عناصر در هر غزل مورد تحلیل قرار میگیرد.

### مکان

مکان و زمان دو بُعد پرحادثه‌اند و برای بیان هر داستان طبیعتاً لازم هستند و تقریباً هیچ داستانی را بدون مکان نمیتوان تصور کرد. براهنی مکان و زمان را جزو ابعاد چهارگانه قصه میداند و معتقد است: «این چهار بُعد (زمان، مکان، علیت و زبان) تا حدی از همان آغاز هر قصه بعنوان ابعاد اساسی ظاهر میشوند و قسمت اعظم آن را اشغال کرده، اجزای قصه از قبیل شخصیتها، حوادث و داستان کلی و داستانهای جزئی و طرح و توطئه قصه را بسوی آینده رهبری میکنند» (قصه‌نویسی، براهنی: ص ۱۸۲).

از مجموع ۳۳ غزل-داستان مبتنی بر حکایت عراقی، تقریباً در همه غزلها وقوع روایت دارای مکان است. در پاره‌ای موارد هم با توجه به قراین موجود در غزل، میتوان محل آن را حدس زد. عنصر «مکان» در ۱۵ غزل «واقعی» و تقریباً مشخص است و محل وقوع داستان، جایی همچون «گوشه خانقاه، درگاه و کوی یار، سرا و شهر، بازار، صومعه، کعبه، دیر، گیتی، مجلس، باغ، گلشن، بستان، گلزار، گلستان، بزم طرب و قمارخانه» است و در ۱۸ مورد باقیمانده، مکان «نامشخص» و گاه «نمادین و مبهم» است؛ از جمله «خرابات، میکده، شرابخانه، سر زلف بتان، طربخانه سرور، خمستان، خرابات مغان، درون پرده و خانه خمار».

بسامد بیشتر مکانهای «نمادین» و تکرار آنها بیانگر ذهن عرفانی و فضای تمثیلی غزل است و نشانه و مظهری از مراحل مختلف سیر و سلوک عارفانه میباشد و همچنین مبین این نکته است که غالباً مکان و زمان واقعه در آثار عرفانی، لامکان و لازمان و قدسی، فرضی و اساطیری است.

### زمان

در غزل-داستانهای نوع حکایت عراقی زمان بر دو گونه است: گاه نامشخص و مبهم، و گاه بیانگر تداوم و تکرار است؛ مانند «پیوسته، باز، دوباره، دائم، دم‌به‌دم، لحظه‌به‌لحظه، دگربار، هربار، هرلحظه، همه‌شب، همیشه» که شامل ۱۱ مورد میگردد.

این تداوم و تکرار نشانه فیضان عشق در لازمان و همچنین ابن‌الوقت بودن صوفی است؛ یا زمان مشخص است. از میان ۳۳ غزل-داستان نوع حکایت، ۱۵ مورد دارای زمان مشخص هستند که شاعر به زمان وقوع حادثه تصریح کرده است. زمان ۵ مورد «شب و دل شب و شب جدایی»، ۳ مورد «دوش»، ۵ مورد «سحرگه و صبحدم»، ۱ مورد «امروز» و ۱ مورد نیز «اکنون» است. لحظه وقوع ماجرا در دیگر غزل-داستانها (۷ مورد دیگر) گذشته مبهم است؛ مانند: «شب، ناگه، کجا، وقت مناجات».

حلاوت لب تو، دوش یاد می‌کردم	بسا شکر که در آن لحظه در دهان انداخت (کلیات دیوان عراقی: ص ۱۹۲)
چه خوش باشد خرابی در خرابیات	گرفته زلف یار و رفته از دست
به گرد زلف مه‌رویای همی‌گشت	چو ماهی ناگهان افتاده در شست
سحرگه از سر سجاده برخاست	به بوی جرعه‌ای، ز ناز بریست (همان: ص ۹۳)

دلیل تکرار «دوش» و «سحرگاه» و «شب»، حاصل تجارب روحانی و عرفانی شاعر است و اتفاقاً غزلهایی که لحظه وقوع آنها زمانهای مذکور است، عرفانیتر از سایر اشعار هستند؛ «زیرا شب و سحرگاه را بهترین زمان برای دعا، ذکر و نیز خلوت با خداوند و راز و نیاز با او میدانستند» (نقد و تحلیل ساختارگرایانه غزل روایت‌های عطار، طاهری: ص ۱۹۹؛ نیز ر.ک. فرهنگ و اصطلاحات عرفانی، سجادی: ص ۴۹۶). هدف عراقی از ذکر زمان و مکان وقوع داستان، نوعی واقعیت‌پنداری بوده است و مقصود شاعر این بوده است که مخاطب را برای شنیدن داستان واقعی، آماده و مجاب کند.

#### زاویه دید (Point of view)

زاویه دید «به موقعیتی گفته میشود که نویسنده درمورد روایت داستان اتخاذ میکند و دریچه‌ای است که پیش روی خواننده می‌گشاید تا او از آن دریچه و مجرای بخصوص، حوادث داستان را ببیند و بخواند» (فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد: ص ۱۵۷). زاویه دید اقسامی دارد که یک تقسیم‌بندی مهم و کلی آن شامل دو نوع بیرونی (روایت سوم‌شخص) و درونی (روایت اول‌شخص) است. «راوی در زاویه دید بیرونی (External point of view)، ممکن است از زاویه دید دانای کل (Omniscient) به روایت داستان بپردازد. یعنی همچون فکری برتر از خارج، شخصیت‌های داستان را رهبری کند، از نزدیک شاهد اعمال و افکار آنها باشد و در حکم خدایی عمل کند که از گذشته و حال و آینده آگاه است و از افکار و احساسات آشکار و نهان همه شخصیت‌های خود باخبر است» (همان: ص ۱۵۷). در این گونه روایت بنظر میرسد آنچه میتوان دانست و گفت، هیچ حدّ و مرزی ندارد (نظریه ادبی، کالر: ص ۱۲۱).

در زاویه دید درونی (Internal point of view) «داستان بوسیله یکی از اشخاص داستان و به شیوه «من» روایتی» نقل میشود. این شخص ممکن است شخصیت اصلی داستان باشد. گاه داستان از زاویه دید یک شخصیت فرعی درون داستان بازگو میشود» (فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد: ص ۱۵۹)، که نقش مهمی در سیر حوادث داستان ندارد. البته میان دو نوع زاویه دید مزبور، نوع سومی به نام زاویه دید «متغیر و جایجاشونده» هم وجود دارد که در آن، داستان از زوایای دید مختلف روایت میشود (همان: ص ۱۵۹) و روایت در نوسان است.

از مجموع ۳۳ غزل-داستان نوع «حکایت»، ۲۴ مورد با زاویه دید درونی و ۶ مورد با زاویه دید بیرونی روایت شده است، و در ۳ مورد، روایت با زاویه دید متغیر و مرکب از درونی (اول‌شخص) و بیرونی (سوم‌شخص) گزارش شده است. از روایت به شیوه «زاویه دید درونی» اینگونه استنباط میگردد که داستان اغلب در ذهن و روح عراقی به وقوع پیوسته و محصول تجربیات روحانی و سیر انفسی وی است و گوینده نقد حال خویش را بوسیله غزل-داستانها بیان کرده است.

میرصادقی معتقد است: «در زاویه دید اول‌شخص تجربیات و احساسات هیجان‌انگیز از صمیم قلب نقل میشود؛

ازاینرو داستان غالباً صمیمانه‌تر و مؤثرتر از آب درمی‌آید و نقل داستان با ضمیر «من» ارتباط مطالب داستان را ساده میکند و «من» به وحدت و هماهنگی داستان استحکام میبخشد» (عناصر داستان، میرصادقی: ص ۳۸۹). عراقی در اینگونه روایتها به حسب حال میپردازد و مضمون و موضوع اصلی این نوع غزل-داستانها شکایت از هجران و یادکرد روزگار وصال و تمنای بازگشت به آن روزگار است.

من باز ره خانه خمار گرفتم ترک ورع و زهد به یک بار گرفتم  
شمع رخ یارست و شرابم لب دلدار پیمان همان لب که به هنجار گرفتم  
گفتی: کم سودای سر زلف بتان گیر چندین چه نصیحت کنی؟ انگار گرفتم  
(کلیات دیوان عراقی: ص ۱۷۵)

در غزل-داستانهای با زاویه دید بیرونی، خود شاعر گرچه گاه قهرمان داستان است، بعنوان «دانای کلی محدود» قصه را با عنوان شاهد ماجرا آغاز میکند و بیت تخلص هم اغلب جنبه سوم شخص دارد. در اینگونه روایتها، یک داستان آغاز میشود که گاه در یکی دو بیت زاویه دید ترکیبی و متغیر است؛ اما کل غزل راوی بیرونی دارد. موضوع اینگونه غزل-داستانها هم ماجرای فتنه‌انگیزی عشق و بیان حالاتی است که برای شخصیت‌های تاریخی-اسطوره‌ای (همچون لیلی، مجنون، فرهاد، شیرین، وامق و عذرا) اتفاق افتاده است و اینکه عشق چگونه همه وجود عاشقان را از پیر و برنا با کرشمه خود فرا گرفته و به شور و غوغا و فتنه‌انگیزی میپردازد. در غزل-داستانهای با زاویه دید «متغیر»، گاه میان راوی بعنوان اول شخص با معشوق (ر. ک. همان، غزل ۲۷۸: ۲۳۵) یا نصیحتگو (نیز همانجا: غزل‌های ۱۱۴ و ۱۱۵: ۱۴۶-۱۴۷)، گفت‌وگوهای صورت میگیرد که سبب تفاوت و تغییر در دیدگاه میشود؛ اما سرانجام شاعر بعنوان راوی اصلی و عاشق، حرف نهایی را میزند و سخن خود را بر کرسی مینشاند.

گاه شاعر بعنوان راوی سوم شخص با زاویه دید بیرونی روایتی را آغاز میکند، اما در میانه‌های غزل به حسب حال خود میپردازد و با خیال معشوق راز و نیاز میکند و تمنای وصال دارد (نک: همان، غزل ۲۹۰: ۲۴۱).

### گفتگو (Dialogue)

گفتگو یا مکالمه از جمله مهمترین و اصلیتین عناصر داستان و متون روایی بشمار می‌آید و آن «صحبتی است که میان دو شخص یا بیشتر ردوبدل میشود، یا آزادانه در ذهن شخصیت واحدی در اثر ادبی پیش می‌آید» (عناصر داستان، میرصادقی: ص ۴۶۶). این عنصر دارای ویژگیهایی است از جمله «عمل داستانی را درجهت معینی پیش میبرد؛ با ذهنیت شخصیت‌های داستان هماهنگی و همخوانی دارد و با موقعیتهای اجتماعی و علاقه‌های شخصی آنها در تناقض نیست؛ احساس طبیعی و واقعی بودن را به خواننده میدهد، بی‌آنکه در واقع طبیعی و واقعی باشد» (همان: صص ۴۷۱-۴۷۲).

گفتگوها یا چندجانبه هستند، یا دوجانبه یا یکجانبه و یا درونی. اگر میان دو تن صورت گیرد، بدان گفتگوی دوطرفه (Dialogue) گویند و اگر بصورت درونی باشد، یکطرفه (Monologue) نامند و اگر بشکل حدیث نفس بیان گردد، بدان گفتگوی درونی و تک‌گویی درونی (Interior Monologue) اطلاق میگردد. گفتگو موجب گسترش یافتن طرح و پیرنگ (Plot) و نشان داده شدن درونمایه (Theme) و معرفی شخصیتها و هماهنگ‌کننده ذهنیات و اندیشه‌های ایشان متناسب با فضا و عمل داستانی است و «نشانه‌های ویژه‌ای که بر خصوصیات شخص اشاره میدارند در گفتگو جلوه میکنند» (هنر داستان‌نویسی، یونسی: ص ۳۵۵).

از آنجاکه ساختار و محتوای غزل متناسب با عناصر داستانی نیست و ظرفیت پاره‌ای از این عناصر از جمله گفتگو را ندارد، در غزل-داستانهای عراقی انتظار بهره‌مندی کامل از این عنصر هم وجود ندارد. از میان ۳۳ غزل-داستان نوع «حکایت» در دیوان عراقی، بطور دقیق تنها در ۸ مورد میان شخصیت‌های داستان گفتگو صورت گرفته است که باز در همین موارد اندک هم، شاعر آغازگر یا یکی از طرفین اصلی است و طرف دیگر، شخصیت‌هایی از جمله «دل، ساکنان میخانه، صنم، رند، عاشق بیدل، پیر، نصیحتگو و جوانمرد» هستند.

طرف گفت‌وگو، معمولاً در حدّ اعتراض، یکی دو جمله بیان و سپس سکوت میکند. هم آغازگر شاعر است، هم پایان‌رساننده داستان. تنها در دو غزل شماره: ۱۰۴ و ۱۴۱ (نک: کلیات دیوان عراقی: ص ۱۴۱ و ۱۶۲)، عراقی آغازکننده نیست. در اولی «رند» و در دومی «پیر» آغازگر گفتگو هستند و اگرچه شخصیت‌هایی «ایستا» هستند و از عنصر کنش در این داستانها خبری نیست، در داستان به پویایی گرایش مییابند و سرانجام حرف‌نهایی را میزنند. اما همین سخنها در حقیقت حرف دل شاعر است. از میان هشت مورد یادشده، در پاره‌ای از غزلها، تنها در بیت آخر، یک گفتگو صورت میگیرد.

از مجموع ۳۳ غزل-داستان نوع «حکایت»، در ۲۲ مورد «گفتگوی درونی» بکار رفته است و در ۳ مورد هم گاهی به شخصیت‌های تمثیلی از جمله «دل، عقل، لب و زلف یار و خیال» خطاب شده است. همین گفتگو هم بصورت واگویی‌ها و تک‌گویی‌های درونی خطاب به خود شاعر است. گفتگوهای غزل-داستانهای عراقی زنده و پرشور هستند و گاه شورانگیزی آنها بحدّی است که غزل را به «نمایش» نزدیک میکند؛ برای نمونه مطلع دو غزل ذکر میشود:

به خرابات شدم دوش مرا بار نبود	میزدم نعره و فریاد ز من کس نشنود
کردم گذری به میکده دوش	سبچه به کف و سجاده بر دوش

(کلیات دیوان عراقی: ص ۱۴۱)  
(همان: صص ۱۶۳-۱۶۲)

در نمونه‌هایی که گفتگوها صرفاً بشکل تک‌گویی و گاه یکطرفه هستند، عراقی اغلب داستان را خطاب به خود بیان میکند؛ گرچه گهگاه از ضمیر دوم شخص مفرد استفاده میکند تا با خیال دوست سخن گوید. از بهترین نمونه‌ها، این غزل مشهور است با مطلع:

ز دو دیده خون فشانم، ز غمت شب جدایی	چه کنم که هست اینها گل خیر آشنایی
-------------------------------------	-----------------------------------

(همان: ص ۲۴۳)

در ابیات پایانی غزل، که از کعبه و حرم سرخورده است، مورد خطاب و پذیرش «ساکنان دیر» قرار میگیرد و خاطرش آسوده میشود که راه عاشقی از قمارخانه و دیر میگذرد، نه از صومعه و کعبه و مسجد. در پاره‌ای از غزل-داستانها تنها ماجرای آفرینش عشق را در زمان ازل با زبان نمادین و اندیشه اسطوره‌ای-عرفانی بیان میکنند. در این گونه غزل-داستانها، اغلب عناصر داستانی بکار رفته است. از آنجاکه شرح ماجراست، ممکن است کیفیت گفت‌وشنودها بصورت نمایشی و عملی بیان نشده و تنها حالت روایی داشته باشد؛ اما از ماجرای گفتگو بصورت نمادین یاد میکند. بعنوان نمونه مطلع یکی از مشهورترین غزل-داستانهای عرفانی و عاشقانه شعر فارسی آورده میشود:

نخستین باده کاندرا جام کردند	ز چشم مست ساقی وام کردند
------------------------------	--------------------------

(همان: ص ۱۳۸)

همانگونه که از فحوای غزل برمی‌آید، «گفتگوها» و زمزمه‌هایی بشکل نمادین بیان شده است که برای شاعر بیشتر صورت بیان و روایت خاطره‌ای دور و ازلی و همراه با همهمه‌های اسطوره‌ای دارد، و انگار رؤیایی را تعریف میکند. عراقی این گفتگوها را بشکل ضمنی در حکایت بیان میکند، اما بطور مستقیم به آنها تصریح نمیکند. نتیجه‌ای که از «گفتگو» در غزل-داستانهای نوع «حکایت» عراقی بدست می‌آید، این است که با آغاز هر گفتگو توسط هر کدام از شخصیتها، چه شاعر، چه دیگری، اغلب مخاطب تا پایان سخن خاموش است و آغازکننده گفتگو تا پایان سخن متکلم وحده است و بی‌آنکه مخاطب پاسخ او را بدهد، سخن را به پایان میرساند و شنونده را مجاب میکند. این گفتگوها از مقوله‌ی مناظره و گفتگوهای دوطرفه و نمایشی نیست که سبب بروز و ظهور کنش و حرکت و تغییر در مسیر داستان شود؛ بلکه شکل «روایت یک گفتگو» را داراست.

### شخصیت (Character)

شخصیت فردی ساخته شده در داستان است که دارای ویژگیهای حقیقی، اخلاقی و آگاهانه است که آن را در گفتار و عمل نشان میدهد و بوسیله آن ویژگیها و خصوصیات شناخته میشود. این عنصر کلیدیترین عامل داستان بشمار می‌آید و «محوری است که تمامیت قصه بر مدار آن میچرخد و کلیه عوامل دیگر، عینیت، کمال و معنا و مفهوم و حتی علت وجودی خود را از آن کسب میکنند» (قصه نویسی، براهنی: ص ۲۴۶). و همچنین مهمترین عنصر منتقل‌کننده تم داستان و عامل اصلی طرح آن را شخصیت میدانند. اشخاص داستان در سیر وقایع و حوادث آن به دو شکل عمل میکنند: یا تا آخر داستان هیچگونه تغییری نمیکند و گاه اندک تغییری میپذیرند و تقریباً همانگونه هستند که در آغاز بوده‌اند و وقایع بر ایشان تأثیرگذار نیست که به آنها شخصیت «ثابت» و «ایستا» (Static character) میگویند؛ یا مدام در جریان وقایع دستخوش تغییر و تحول میشوند و در پایان داستان، به انسانی متفاوت مبدل میگرددند که با عنوان شخصیت «پویا» یا «فعل» (Dynamic Character) نامیده میشوند. در اینگونه شخصیت، خصلت و خصوصیات شخصیتی و جهانبینی دگرگون میشود و این تغییر با دیگر ابعاد خلقی و روحی هماهنگی و ارتباط دارد. این دگرگونی گاه در جهت سازندگی است و گاه برای ویرانگری (ر.ک. فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد: ص ۱۷۸).

فورستر (M. A. Forster) در یک تقسیم‌بندی دیگر، اشخاص داستان را به ساده (flat) و جامع و کامل (round) تقسیم میکند. شخصیت ساده پیرامون خصوصیت واحدی ساخته میشود و طرح کلی است فاقد جزئیات فردی و او را میتوان در یک جمله معرفی کرد؛ و شخصیت کامل و جامع بعکس، از خلق و خوبی پیچیده برخوردار است و میتواند به شیوه متقاعدکننده‌ای خواننده را با شگفتی روبرو سازد. (جنبه‌های رمان، فورستر: ص ۸۸-۱۰۲).

شخصیت‌های داستان، اعم از «ایستا و پویا»، «ساده و کامل»، در غزل-داستانهای فخرالدین عراقی در سه گروه «نوعی» (Tepic character)، «تاریخی-اسطوره‌ای» (Myth- Historical character) و «تمثیلی» (Allegorical character) خلاصه میشوند. «شخصیت‌های نوعی یا تیپ نشان‌دهنده خصوصیات گروه یا طبقه‌ای از مردم است که او را از دیگران متمایز میکند» (عناصر داستان، میرصادقی: ص ۱۰۱). این شخصیتها نماینده قشر و طبقه خاصی از جامعه هستند و نماینده ارزشها و ضدارزشهای زمانه خود بشمار می‌آیند (بررسی عنصر شخصیت در حکایت‌های بوستان سعدی، صیادکوه و دیگران: ص ۱۱۵). شخصیت‌هایی همچون «دوست، معشوق، یار، ساقی، رند، نگار، دشمن، مؤمن، خمار، پیر، مغبچه، ترسا» نماینده این گونه شخصیتها هستند.

شخصیتهای تمثیلی «شخصیتهای جانشین‌شونده هستند، به این معنا که جانشین فکر و خلق‌وخو و خصلت و صفتی میشوند و کیفیتی انتزاعی بصورتی عینی تصویر میشود» (عناصر داستان، میرصادقی: ص ۱۰۷). نمونه این قسم شخصیتهای در غزل-داستانهای عراقی از این قرارند: «زلف، چشم، خیال، بلبل، گل رعنا، دل، آتش، شمع، پروانه، جان، ابرو، صبا، لب، طرّه طرار، غمزه». برخی از شخصیتهای تمثیلی غزل-داستان عراقی بیانگر احوال و روحیات درونی خود شاعر هستند و از شخصیت وی انتزاع گردیده‌اند.

شخصیتهای تاریخی-اسطوره‌ای، ساخته و پرداخته ذهن شاعر یا نویسنده نیستند؛ «بلکه در عالم واقع در یک برهه از زمان زندگی میکردند و بگونه‌ای در تاریخ تأثیر گذاشته‌اند و یا کسانی هستند که جایگاه تاریخی آنان دقیقاً معلوم نیست و تا حدودی با افسانه‌ها درآمیخته‌اند» (بررسی عنصر شخصیت در حکایتهای بوستان سعدی، صیادکوه و دیگران: ص ۱۲۱).

برخی از شخصیتهای تاریخی-اسطوره‌ای ذکر شده در غزل-داستانهای عراقی عبارتند از: «آدم، حوّا، مجنون، لیلی، وامق، عذرا، فرهاد و شیرین». در ۳۳ غزل-داستان نوع «حکایت» فخرالدین عراقی، ۱۱۸ شخصیت حضور دارد که ۷۷ مورد آن شخصیتهای نوعی و ۳۳ مورد شخصیتهای تمثیلی و ۸ مورد آن شخصیت تاریخی-اسطوره‌ای هستند. البته اگر شخصیت خود «عراقی» را به استثنای موارد تخلص شعری وی، بعنوان «تاریخی» بشمار آوریم، این گونه شخصیتهای اخیر به حدود ۴۰ مورد خواهد رسید.

از نظر آماری، پرکاربردترین و مؤثرترین شخصیتهای غزل-داستان عراقی، شخصیتهای «نوعی» هستند که این میزان بیانگر گسترش پویایی رفتارها و کنشهای این گونه شخصیتهای نسبت به دو نوع دیگر است. پس از شخصیتهای «نوعی» از نظر تعداد، شخصیتهای «تمثیلی» در رده دوم قرار دارند و کاربرد این گونه شخصیتهای مبین ذهن انتزاعی و نمادگرایی شاعر است که متأثر از عرفان و تصوف و روحیه قلندری و ملامتی اوست. اینگونه شخصیتهای بصورت استعاره‌ای و جاندارانگارانه (Animism) در غزل تشخص یافته‌اند؛ بعنوان مثال: «هجر، غم، وصل و محنت» در غزل ۴۰ و «عشق و حسن» در غزل ۴۵ به ترتیب:

باز هجر یار دامانم گرفت	باز دست غم گریبانم گرفت
چنگ در دامان وصلش میزد	هجرش اندر تاخت دامانم گرفت
جان ز تن از غصّه بیرون خواست شد	محنت آمد، دامن جانم گرفت
عشق شوری در نهاد ما نهاد	جان ما در بوته سودا نهاد...
حسن را بر دیده خود جلوه داد	ممتی بر عاشق شیدا نهاد
هم به چشم خود جمال خود بدید	تهمتی برچشم نابینا نهاد

(همان: ص ۱۱۰)

کم‌تکرارترین گونه شخصیتهای در غزل-داستانهای نوع حکایت عراقی، گونه «تاریخی-اسطوره‌ای» است. یکی از علل کاربرد اندک این نوع شخصیت در سخن شاعرانی چون عراقی تا حدودی میتواند مربوط به مطالعه این گروه در ساخت و بُعد عرفان نظری و عملی و سلوک ایشان باشد. در نتیجه از جنبه اجتماعی و تاریخی شعر آنها کاسته و به جنبه‌های نمادین، تمثیلی و انتزاعی افزوده میگردد. در مجموع همه شخصیتهای غزل-داستانهای عراقی «یستا» هستند و هیچگونه تغییری در آنها صورت نمیگیرد و نمیتوان آنها را پویا تلقی کرد. عنصر «کنش» هم در اینگونه غزل-داستانها معمولاً غایب است.

در شعر عراقی شخصیتها بیشتر الگو هستند تا چهره شاخص. قهرمانها اغلب در گروه خاص خود همسان و همانند هستند؛ مثلاً «زند» و «پیر» در همه غزلها یک چهره عمومی دارند و مانند رند و پیر حافظ جلوه‌های گوناگون ندارند. ماجراها هم غیرواقعی و مکانها هم گاه فرضی است و گاه حضور عناصر غیرواقعی از جمله «سروش و هاتف غیبی» در داستان موجب اعجاب و شورانگیزی داستان میشود و آنچه اصلی بنظر می‌آید همان شخصیت خود شاعر است که گاه بعنوان راوی موجب شگفتی‌آفرینی در داستان میگردد.

جدول شماره ۲: عناصر و مؤلفه‌های روایی در غزل-داستانهای نوع «حکایت»

شماره غزل	مکان	زمان	زاویه دید	گفت‌وگو	شخصیتها
۹	خرابات، میکده	گذشته مبهم	اول شخص (درونی)	یکطرفه (درونی، حسب حال)	من شاعر، همدم، گبر، یار
۱۰	_____	دوش	سوم شخص (بیرونی) و اول شخص (درونی)	یکطرفه	معشوق (جان)، چشم و زلف معشوق
۱۱	گوشه‌ای	گذشته	سوم شخص (بیرونی و دانای کل)	یکطرفه	دوست
۱۲	خرابات، میخانه	سحرگه، پیوسته، ناگهان	_____	یکطرفه	عراقی، بتان، خوبان، یار، پریرویان، مهرویان، ساقی
۱۳	شرابخانه	پیوسته، دائم، اکنون، در حال	متغیر و ترکیبی (اول شخص و سوم-شخص)	یکطرفه	ساقی، مجلسیان
۲۰	میکده	ناگه، گذشته	سوم شخص (بیرونی و دانای کل)	یکطرفه	عاشقان، یک عاشق، بخت من، چشم دل
۲۷	کوی خرابات، میخانه، صومعه	حال و گذشته	اول شخص (درونی)	عراقی و ساکنان میخانه	رندان خرابات
۳۸	هر کجا، سر زلف بتان	دائم، کی و کجا؟ (مبهم)	اول شخص و سوم-شخص (ترکیبی)	یکطرفه (عراقی و دل)	دلارام، نگار، دلبر
۴۰	_____	آن زمان، باز (دوباره)	اول شخص (درونی)	یکطرفه (واگویه درونی و حسب حال)	هجریار، محنت، آتش سودای یار،
۴۴	خاک در دوست، طربخانه سرور	باز (دوباره)	اول شخص (درونی)	یکطرفه	دل، دشمن، دوستی
۴۵	خمستان	دم به دم، لحظه به لحظه	سوم شخص (بیرونی)	یکطرفه	عشق، حُسن، عاشق شیدا، فرهاد، شیرین
۴۶	سرا و شهر ما	گذشته مبهم	سوم شخص (بیرونی)	یکطرفه	عشق، عقل مجنون، لیلی، جان وامق، لب عذرا، بلبلان، گل رعنا
۸۷	بازار، صومعه،	ناگه، شبی، وقت	اول شخص (درونی)	یکطرفه	بت، دل، جان، مؤمن،

گبر، خمّار، دل ابرار، می‌زده، دل بیمار، سوخته			مناجات	بتکده، کوی یار، کوی خرابات	
بت عیّار، اهل خرابات، ابرار، آتش	یکطرفه	اول شخص (درونی)	گذشته، ناگه، هر بار	بازار، صومعه	۸۸
چشم مست ساقی، اهل طرب، لب میگون جانان، دلها، نیک و بد، خاص و عام، جان، دل و ابرو، دو عالم، محرم، جهان، دل عراقی، خود	یکطرفه	سوم شخص (بیرونی)	گذشته مبهم	گیتی، مجلس	۹۷
دل عراقی	عراقی و دل خود و زلف و لب یار	اول شخص	باز (دوباره)، دل شب	_____	۱۰۱
دل خسته، طره طرار	عراقی و صنم	اول شخص	شب، روز	_____	۱۰۲
من (شاعر)، رند	عراقی و رند	اول شخص	دوش، شب	خراباتِ مغان	۱۰۴
صبا، گل، عراقی (من)، دلدار، یار	عراقی و عاشق بیدل	اول شخص / سوم- شخص	وقت سحر، امروز	کوی یار، باغ، گلشن، بستان، گلزار	۱۱۴
صبا، دلدار	یکطرفه	اول شخص / سوم- شخص	وقت سحر، دائم	کوی یار، باغ، گلزار، عالم	۱۱۵
دل، تو	یکطرفه	اول شخص (جمع)	دگر بار	هر دو جهان، خرابات	۱۱۸
دل، تو، جان	یکطرفه	اول شخص (جمع)	دگر بار	دام زلف یار	۱۱۹
مغیچه، خوبان، غم، دل، ما	یکطرفه	اول شخص (جمع)	دگر بار	خرابات، دیر مغان	۱۲۰
تو (معشوق- معبود)، من (عراقی)	یکطرفه	اول شخص (مفرد)	گذشته، هر لحظه	درگاه یار، درون پرده	۱۳۱
ما، من، دشمن بدگو، خاص و عام، دل، بوی زلف یار	یکطرفه	اول شخص	صبحدم	گلستان	۱۳۳
ساقی، لب نوشین شکرافشان، چشم فتان، غمزه ساقی	یکطرفه	اول شخص	همیشه	بزم طرب	۱۴۰
من (عراقی)، پیر	عراقی و پیر	اول شخص	دوش	میکده، خرابات	۱۴۱
یار و دلدار، ساقی، بت عیّار، نصیحت گو	یکطرفه	اول شخص	گذشته مبهم	خانه خمّار	۱۶۳
دوست	یکطرفه	اول شخص (واگوییۀ درونی و حدیث	گذشته مبهم	ملک لایزالی	۱۶۶



		(نفس)			
۲۷۸	دیر	گذشته	سوم‌شخص / اول- شخص	یکطرفه	ترسایچه، دل عاشق (عراقی)
۲۹۰	کوی یار	گذشته	سوم‌شخص / اول- شخص	یکطرفه	تو (معشوق)، عراقی
۲۹۳	آستان معشوق، کعبه، قمارخانه، صومعه، دیر	شب جدایی، همه شب	اول‌شخص / سوم- شخص	یکطرفه (در بیت‌های پایانی، هاتف غیبی و یکی از ساکنان دیر)	معشوق، یار، رقیب، زاهدان ربایی، ساکنان دیر
۲۹۵	راحت‌سرا	سحرگه	اول‌شخص	یکطرفه (تنها در بیت آخر عراقی یا سالک مورد خطاب واقع - میشود)	چند ندیم، چند جوانمرد و صاحب‌دل

### نتیجه‌گیری

شعر علاوه بر آنکه ابزار بیان و القاء عواطف و احساسات است، توانایی پذیرش نقش‌های متفاوتی را از جمله روایتگری و داستان‌پردازی هم دارد. قالب غزل نسبت به دیگر انواع شعر فارسی ظرفیت مناسب را برای داستان‌پردازی ندارد. در این قالب، هم شخصیت‌ها در چارچوب فضای غزل محدود هستند، هم گفتگوها و دیگر عناصر و مؤلفه‌های داستانی در تنگنای موضوعات و مضامین گرفتارند.

یکی از انواع غزل‌های فخرالدین عراقی، «غزل-داستان» است. در این پژوهش از مجموع ۳۰۳ غزل موجود در کلیات دیوان شاعر، ۹۷ غزل با این عنوان شناخته شد که نسبت به کلّ غزلیات، میزان قابل توجه و حدود یک‌سوم غزل‌های وی را شامل می‌شود. غزل-داستان‌های عراقی از نظر ساختاری در سه گروه جای می‌گیرند: ۱- غزل-داستان‌های مبتنی بر «گفتگو» و «خطاب» که شامل ۱۸ مورد می‌شوند؛ ۲- غزل-داستان‌های مبتنی بر «حکایت» که تعداد آنها ۳۳ مورد است؛ ۳- غزل-داستان‌های مبتنی بر «توصیف» که شامل ۴۶ غزل است. همه این نوع غزل‌ها نسبت به غزل‌های غیرداستانی از وحدت و انسجام ساختاری، هم در محور عمودی، هم در محور افقی برخوردارترند.

غزل-داستان‌های عراقی از نوع داستان کوتاه و با زبانی ساده و مناسب با حالات عاشقانه و عرفانی بیان شده‌اند که در آنها یا تنها عنصر «گفتگو» غالب است، یا به توصیف حالات خود و معشوق می‌پردازد و یا گزارشی از واقعه‌ای روحانی را بازگو و بازنمایی می‌کند. در نوع اخیر، از عناصر داستانی همچون «مکان»، «زمان»، «گفتگو»، «زاویه دید» و «شخصیت‌پردازی»، بیشتر بهره برده که بیانگر مهارت سخنور در داستان‌پردازی است.

در اغلب داستان‌ها، هم راوی، هم قهرمان اصلی خود شاعر است. روایتها اغلب با زاویه دید بیرونی و با زبانی تمثیلی بیان می‌شود. در غزل-داستان‌های مبتنی بر عنصر گفتگو، داستان‌ها پایان و فرود مشخصی ندارند و خواننده با توجه به شناختی که از غزل‌های عاشقانه و عرفانی دارد، به نتیجه دلخواه دست می‌یابد.

مکانها اغلب نمادین و نامشخص هستند و زمانها هم بیشتر مبهم و لحظه وقوع ماجراها گذشته مبهم است که

این امر حاصل تجارب روحانی و عرفانی شاعر است. ابهام و استمرار در زمان مبین استمرار حالات و ازلی و ابدی و بی‌آغاز و انجام بودن ماجراهای عاشقی و حضور مستمر محبوب است. گفتگوها در حکایات، اغلب یکطرفه و درونی هستند و گاه بصورت حدیث نفس و واگوییها و تک‌گوییهای درونی بیان میشوند. اغلب شخصیت‌های حاضر در غزل-داستانها، «نوعی» هستند، که این میزان بیانگر گسترش پویایی رفتارها و کنش این شخصیت‌ها نسبت به دو نوع دیگر (تمثیلی و تاریخی-اسطوره‌ای) است. شخصیت‌های «تمثیلی» در رده دوم قرار دارند که نشانه ذهن انتزاعی و نمادین شاعر عارف است و کم‌تکرارترین گونه شخصیتی، گونه «تاریخی-اسطوره‌ای» است و علت آن استغراق شاعر در مسائل عرفانی و غور کمتر در مسائل و مطالعات تاریخی-اجتماعی است.

عراقی با آگاهی از این موضوع که فضای غزل مناسب داستان‌پردازی نیست و محدودیتهای خاص خود را دارد، در غزل-داستانها به حاشیه‌پردازی مشغول نشده و با زبان ساده و موجز داستان را خلاصه و میان خواننده با داستان ارتباط مستقیم و مؤثر برقرار کرده است.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

### REFERENCE

- Abdollahian, Hamid. (2002). Story and characterization in fiction, *Journal of the Faculty of Literature and Humanities*, University of Tehran, Summer and Autumn, pp. 409-425.
- Baraheni, Reza. (2014). Storytelling, Fourth Edition, Tehran: Negah, p.182, 246.
- Color, Jonathan. (2014). Literary Theory, Translated by Farzaneh Taheri, Fourth Edition, Tehran: Markaz Publishing, p.121.
- Dad, Sima. (1999). Dictionary of Literary Terms, Third Edition, Tehran: Morvarid, p.157, 159, 178.
- Farhangi, Soheila and Hamidi Asl, Pegah. (2018). A Study of Narrative Patterns in Ghazal Sa'adi, *Journal of Lyrical Literature*, (30) 16, pp. 127-142.
- Forrester, Edward Morgan. (1978). Aspects of the Novel, Translated by Ebrahim Younesi, Second Edition, Tehran: Amirkabir, pp. 88-102.
- Garavand, Ali. (2009). Poetics of Stories in Ghazals of Shams, Tehran: Moein, p.16, 30.
- Heydari, Maryam. (2007). A Study of Narrative Structure in Persian Ghazal, *Literary Research Text*, (31) 11, pp. 24-38.
- Iraqi, Fakhreddin Ibrahim. (1998). Generalities of the Divan, Correction and introduction by Sa'eid Nafisi, 8th edition, Tehran: Javidan.

- Mirsadeghi, Jamal. (1997). Elements of the story, Third Edition, Tehran: Sokhan, p.101, 107, 389.
- Rouhani, Reza and Mansouri, Ahmad Reza. (2007). Ghazal Narrative and its Origin in Persian Poetry, *Quarterly Journal of Persian Language and Literature Research*, No. 8, pp. 121-150.
- Saboor, Dariush. (1991). Afagh Ghazal Farsi, Second Edition, Tehran: sokhan, p.205, 238.
- Safa, Zabihollah. (2009). History of Literature in Iran, Volume 3/1, Fifteenth Edition, Tehran: Ferdows, p.574.
- Sajjadi, Seyed Ja'far. (1994). Dictionary of Mystical Terms and Interpretations, Second Edition, Tehran: Tahoori, p.496.
- Sayadkuh, Akbar and others. (2010). Investigating the element of personality in the anecdotes of Bustan Sa'adi, *Bustan Adab Magazine*, (2) 2, pp. 107-131.
- Taheri, Qudratullah. (2003). Structuralist critique and analysis of Ghazal-narrations of Attar, *Journal of Culture*, Nos. 46 and 47, pp. 251-291.
- Younesi, Ibrahim. (2005). The Art of Fiction, Eighth Edition. Tehran: Negah, p.355.

#### منابع

- آفاق غزل فارسی، صبور، داریوش (۱۳۷۰) چاپ دوم، تهران: گفتار.
- بررسی الگوهای روایت در غزل سعدی، فرهنگی، سهیلا و حمیدی اصل، پگاه (۱۳۹۷) *پژوهشنامه ادب غنایی*، (۳۰) ۱۶، صص ۱۴۲-۱۲۷.
- بررسی ساختار روایی در غزل فارسی، حیدری، مریم (۱۳۸۶) *متن‌پژوهشی ادبی*، (۳۱) ۱۱، صص ۳۸-۲۴.
- بررسی عنصر شخصیت در حکایت‌های بوستان سعدی، صیادکوه، اکبر و دیگران (۱۳۸۹) *مجله بوستان ادب*، (۲) ۲، صص ۱۳۱-۱۰۷.
- بوطیقای قصه در غزلیات شمس، گراوند، علی (۱۳۸۸) تهران: معین.
- تاریخ ادبیات ایران، صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۸) جلد ۱/۳، چاپ پانزدهم، تهران: فردوس.
- جنبه‌های رمان، فورستر، ادوارد مورگان (۱۳۵۷) ترجمه ابراهیم یونسی، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- داستان و شخصیت‌پردازی در داستان، عبداللهمیان، حمید (۱۳۸۱) *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، تابستان و پاییز، صص ۴۲۵-۴۰۹.
- عناصر داستان، میرصادقی، جمال (۱۳۷۶) چاپ سوم، تهران: سخن.
- غزل روایی و خاستگاه آن در شعر فارسی، روحانی، رضا و منصوری، احمدرضا (۱۳۸۶) *فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، شماره هشتم، صص ۱۵۰-۱۲۱.
- فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد، سیما (۱۳۷۸) چاپ سوم، تهران: مروارید.
- فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، سجادی، سیدجعفر (۱۳۷۳) چاپ دوم، تهران: طهوری.
- قصه‌نویسی، براهنی، رضا (۱۳۹۳) چاپ چهارم. تهران: نگاه.
- کلیات دیوان، عراقی، فخرالدین ابراهیم (۱۳۷۷) تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، چاپ هشتم، تهران: جاویدان.
- نظریه ادبی، کالر، جانانان (۱۳۹۳) ترجمه فرزانه طاهری، چاپ چهارم، تهران: نشر مرکز.

نقد و تحلیل ساختارگرایانهٔ غزل-روایتهای عطار، طاهری، قدرت‌الله (۱۳۸۲) مجلهٔ فرهنگ، شمارهٔ ۴۶ و ۴۷، صص ۲۹۱-۲۱۵.  
هنر داستان‌نویسی، یونسی، ابراهیم (۱۳۸۴) چاپ هشتم، تهران: نگاه.

#### معرفی نویسندگان

**هوشنگ محمدی افشار:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

(نویسنده مسئول: [h.afshar@uk.ac.ir](mailto:h.afshar@uk.ac.ir))

**فیروز مردانی:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، ایران.

(Email: [Firooz\\_mardani@yahoo.com](mailto:Firooz_mardani@yahoo.com))

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

#### Introducing the authors

**Houshang Mohammadi Afshar:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.

(نویسنده مسئول: [h.afshar@uk.ac.ir](mailto:h.afshar@uk.ac.ir))

**Firooz Mardani:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Khomeini Shahr Branch, Islamic Azad University, Khomeini Shahr, Iran.

(Email: [Firooz\\_mardani@yahoo.com](mailto:Firooz_mardani@yahoo.com))